

## بررسی و تشریح جایگاه آموزش عالی ایران در منطقه آسیای جنوب غربی حمید شفیق زاده<sup>۱</sup>، محمدضا پویافر<sup>۲</sup>

چکیده

بر اساس ضرورت توسعه کمی و کیفی آموزش در سطوح گوناگون از جمله در سطوح عالی، رصد شاخص‌های کیفیت آموزش عالی، به عنوان یکی از پایه‌های اصلی توسعه در کشور، اهمیت شایانی دارد. بر این اساس، از یک سو اهمیت دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز توسعه ایران در سال ۱۴۰۴ و از سوی دیگر، ضرورت رسیدن به سطح مطلوبی از توسعه و کارآمدی نظام آموزش عالی ایجاب می‌کند تا به طور مداوم وضعیت موجود در این زمینه برای اصلاح احتمالی نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت، شناخته شود. در این مقاله تلاش شده تا این شناخت و آگاهی تاحد امکان دقیق، از خلال پژوهش علمی به دست آید. بر اساس ضرورت دوگانه یادشده، در این پژوهش با استفاده از رویکرد اسنادی با استفاده از اطلاعات موجود به ترسیم وضعیت و جایگاه آموزش عالی ایران در منطقه جنوب غرب آسیا پرداخته شده است. یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده ممتاز بودن جایگاه کشور در معدودی از شاخص‌های مورد بررسی در کشورهای منطقه بوده است. در عین حال، در تعدادی دیگر از شاخص‌های آموزش عالی، وضعیت کشور در حد مناسب و قابل قبول قرار دارد. اما در مقابل، در تعدادی بیشتری از شاخص‌ها، کشورمان از جایگاه ممتازی-آن‌گونه که هدف سند چشم‌انداز بوده، برخوردار نیست. در مجموع نتایج پژوهش نشان‌دهنده شتاب اندک در مسیر دستیابی به جایگاه برتر منطقه جنوب غرب آسیا بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش عالی، شاخص‌های کیفی، سند چشم‌انداز، ایران، جنوب غرب آسیا  
دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۶/۱ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۹/۱۵

۱- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار Shafizadeh11@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی و مدرس جامعه‌شناسی دانشگاه آیت الله بروجردی mrp\_60@yahoo.com

### مقدمه

یکی از عناصر اصلی و ملزومات توسعه پایدار همه جانبه برای هر جامعه‌ای برخورداری از نظام آموزشی کارآمد به معنای تام کلمه است. این کارآمدی هم در بعد کیفیت آموزش، هم در امکانات و زیرساخت‌ها و هم در اثربخشی و کارایی عینی معنا می‌شود. براین اساس، علاوه بر آموزش در سطوح مختلف پیش از دیپلم، آموزش عالی اهمیت ویژه و برجسته خاص خود را دارد؛ چرا که آموزش عالی، مسئول تربیت نیروهای متخصص در نهاد آموزش هر جامعه، برای به دست گرفتن مسئولیت‌های مختلف است. از این رو، کارآمدی و کیفیت نظام آموزش عالی در نهایت به چرخش بهتر چرخ امور جامعه و توازن مناسب‌تر در نظام تقسیم کار اجتماعی منجر می‌شود (Bleiklie, 2005). علاوه بر این، کیفیت آموزش عالی می‌تواند موجب ارتقای دانش علمی در جامعه، افزایش سطح نفوذ و اثربخشی آن در جامعه و دانش محور شدن اداره جامعه گردد.

بر اساس اهمیت یادشده در مورد آموزش عالی، توسعه در وجوه مختلف اقتصادی و غیراقتصادی آن، به طور ویژه ای با آموزش عالی و کارایی و کیفیت این بخش از نهاد آموزش در ارتباط است (Inkeles & Smith, 1988). جوامع پیشرفته صنعتی که در ابعاد فرهنگی و اجتماعی نیز به سطوح و شاخص‌های قابل توجه توسعه دست یافته اند، نمونه‌ای از این دست به شمار می‌آیند. در این راستا کشورهای در حال توسعه نیز با توجه به اقتضانات و زمینه فرهنگی و اجتماعی خود، به تدوین سیاست‌های مناسب برای دستیابی به توسعه متوازن اقدام کرده‌اند.

در کشور ما، پس از طی دوران سازندگی پس از جنگ و لزوم توجه به حرکت پرشتاب‌تر در مسیر توسعه، سند چشم انداز توسعه کشور در افق سال ۱۴۰۴ تدوین و در سال ۱۳۸۳ از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شد. بر اساس این سند که نقش دورنمای آتی و مطلوب کشور را دارد، ایران سال ۱۴۰۴ کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل تصویر شده است (سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۴). در این سند، یکی از اهداف اصلی، رسیدن به جایگاه نخست منطقه در حوزه علم و فناوری، یعنی حوزه اصلی مربوط به آموزش عالی است. چند ماه پس از ابلاغ رسمی سند چشم انداز توسعه کشور در بهار ۱۳۸۳،

سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور در بخش آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی به تاریخ ۸۳/۱۲/۱۵ در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید. همچنین در ۸۳/۸/۲۶ شاخص‌های ارزیابی کیفیت آموزش عالی کشور، در همان سال ابلاغ سند چشم‌انداز توسعه و سیاست‌های کلی نظام در حوزه آموزش عالی، در شورای عالی انقلاب فرهنگی کشور به تصویب رسیده است.

سطح مطلوب شاخص‌های ارزیابی کیفیت آموزش عالی به گونه‌ای تعریف می‌شود که بر اساس سند چشم‌انداز، ایران را به سطح نخست منطقه برساند. دستیابی به این سطح از شاخص‌ها، از طریق سیاست‌های کلی ابلاغ شده در حوزه آموزش عالی ممکن می‌شود. بنابراین، رصد مستمر شاخص‌های ارزیابی کیفیت آموزش عالی کشور، ملاکی برای بررسی میزان انطباق یا شتاب مطلوب در جهت دستیابی به اهداف چشم‌انداز ایران در سال ۱۴۰۴ خواهد بود. علاوه بر این، آنچه اهمیت دارد، مطالعه و بررسی جایگاه ایران در منطقه و بین کشورهای همسایه، خاورمیانه و جنوب غرب آسیا است. به بیان دیگر، علاوه بر نیاز به سنجش مداوم شاخص‌های تدوین شده برای ارزیابی کیفیت آموزش عالی، بررسی جایگاه ایران در بین کشورهای منطقه در مقاطع مختلف پیش از رسیدن به سال ۱۴۰۴ می‌تواند سیاست‌گذاران را از وضعیت موجود و موقعیت کشور در قیاس با آنچه در سند چشم‌انداز با ترسیم موقعیت نخست در منطقه آمده است، آگاه سازد. این آگاهی کمک می‌کند تا برنامه‌ها و سیاست‌های موجود در صورت نیاز تعدیل یا اصلاح شده و مسیر حرکت برای رسیدن به اهداف منظور شده، بهینه‌سازی گردد. توجه به اهمیت مورد اشاره در بالا، پژوهش حاضر با استفاده از روش اسنادی در پی مطالعه جایگاه آموزش عالی ایران در بین کشورهای منطقه است.

تمامی پژوهش‌های انجام شده مرتبط با موضوع کیفیت « آموزش عالی در ایران، به طور کلی یا به موضوعاتی در حاشیه‌ی موضوع این پژوهش متمرکز بوده‌اند و یا در نهایت در سطح نظری به مقایسه و ارزیابی آموزش عالی کشور با کشورهای دیگر جهان پرداخته‌اند. در عین حال این مقایسه نیز بیشتر با تکیه بر نظام آموزش عالی و نه شاخص‌های کمی و آن هم در قیاس با کشورهایی بوده که لزوماً منطبق با حوزه جنوب غرب آسیا و خاورمیانه نبوده‌اند.

تنها دو پژوهش در سال‌های اخیر انجام شده که با تمرکز بر داده‌های کمی موجود به مقایسه شاخص‌های آموزش عالی کشور در قیاس با سایر کشورها پرداخته‌اند. در نخستین پژوهش، نورشاهی (۱۳۸۹) به مقایسه شاخص‌های آموزش عالی با تعدادی معین از کشورهای جهان پرداخته‌است. در این پژوهش کشورهایی از قاره‌ها و مناطق مختلف جهان برای مقایسه ایران با آن‌ها انتخاب شده‌است. در پژوهش دیگر، دباغ (۱۳۸۷) نیز پژوهشگر به مقایسه وضعیت آموزش عالی در آسیا با بررسی چند کشور آسیایی مانند مالزی، آذربایجان، ترکیه، هند، پاکستان و رژیم اشغالگر قدس پرداخته‌است. این کشورها به دلیل توسعه و کیفیت شاخص‌های آموزش عالی در آنها و یا برخی جنبه‌های رقابتی با ایران و نیز جذب دانشجویان از کشور ما، انتخاب و بررسی شده‌اند. در عین حال مشاهده می‌شود که هر دو پژوهش انجام شده در کشور که به طور مقایسه‌ای شاخص‌های کمی آموزش عالی را مقایسه کرده‌اند، تمرکز خاصی روی منطقه جنوب غرب آسیا و خاورمیانه - آنجا که توجه سند چشم‌انداز بر آن متمرکز است - نبوده‌است. علاوه بر این، داده‌های مورد استناد و بررسی در این مطالعات چندان به روز نیست و حداقل به دلیل زمان اجرای این دو پژوهش، از اطلاعاتی مربوط به چند سال پیش استفاده کرده‌اند. حتی در پژوهش نورشاهی که در سال ۱۳۸۹ انجام شده، اطلاعاتی حداکثر مربوط به سال ۲۰۰۵ مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته که به شش سال پیش از زمان حاضر برمی‌گردد.

بر اساس آنچه ذکر شد، چند پرسش اساسی، محورهای این مقاله را تشکیل داده‌است.

- شاخص‌های آموزشی نظام آموزش عالی ایران در قیاس با سایر کشورهای منطقه از چه وضعیتی برخوردار است؟
- شاخص‌های پژوهشی نظام آموزش عالی ایران در قیاس با سایر کشورهای منطقه از چه وضعیتی برخوردار است؟
- شاخص‌های اعتبارات و امکانات آموزش عالی (دانشگاه‌های) ایران در قیاس با سایر کشورهای منطقه از چه وضعیتی برخوردار است؟

تمامی پرسش‌های بالا، حول پرسش اصلی پژوهش بسط یافته‌است یعنی این که «آموزش عالی ایران در قیاس با کشورهای منطقه (خاورمیانه، آسیای جنوب غربی، قفقاز و همسایگان) از چه جایگاهی برخوردار است؟»

### روش پژوهش

آنچه در این مطالعه موضوع بررسی است ماهیتاً مرتبط با داده‌هایی از پیش موجود است. بنابراین برای بررسی و تحلیل مقایسه‌ای میان شاخص‌های موردنظر در نظام آموزش عالی ایران و مقایسه با آن شاخص‌های مشابه کشورهای منطقه، بیش از هر چیز اطلاعاتی از شاخص‌های موجود براساس آخرین گزارش‌های ملی و بین‌المللی مورد استفاده خواهند بود. از همین‌رو، روش اسنادی، تنها روش اصلی مطالعه در این نوشتار بوده است.

در پرتو نتایج جستجوهای اولیه، تعداد شاخص‌ها هرچه بیشتر تدقیق شده اند؛ چرا که در بسیاری از شاخص‌های تدوین شده برای ارزیابی در کشور، نه تنها در میان تمامی کشورهای منطقه، بلکه حتی در داخل کشور نیز اطلاعات مناسب، مفید و بروزی موجود نبوده است. در نهایت، تعدادی از شاخص‌های مهم کیفیت آموزش عالی در میان چند کشور منطقه و جمهوری اسلامی ایران، مورد تحلیل مقایسه‌ای قرار گرفته اند.

برای تعیین کشورهای منطقه، مورد تحلیل مقایسه‌ای در این پژوهش از تصریح سند چشم انداز، استفاده می‌شود. در این مقاله، در توضیح منطقه آسیای جنوب غربی، حوزه‌های «آسیای میانه»، «قفقاز»، «خاورمیانه» و «کشورهای همسایه» مورد اشاره قرار گرفته است. در تعریف حوزه‌های جغرافیایی، هر یک از این مناطق شامل کشورهای زیر می‌شود:

آسیای میانه: ازبکستان، افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، مغولستان  
قفقاز: آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، بخشی از شمال غرب ایران و شمال شرق ترکیه  
خاورمیانه: اردن، امارات متحده عربی، ایران، بحرین، ترکیه، سوریه، عراق، عربستان سعودی، عمان، قطر، کویت، لبنان، مصر، یمن و اسرائیل است.

کشورهای همسایه: عراق، ترکیه، افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان

از مجموعه کشورهای یادشده، مغولستان (در آسیای میانه) مصداق آسیای جنوبی غربی نیست و کنار گذاشته شد. در مقابل، مصر به دلیل ارتباط زیاد فرهنگی و قرار گرفتن در محدوده‌ی خاورمیانه، به لیست کشورهای مورد مطالعه افزوده می‌شود. در نتیجه از اشتراک کشورهای مورد اشاره، ۲۴ کشور که در کنار ایران، منطقه آسیای جنوبی غرب را تشکیل می‌دهند، شامل آذربایجان، سوریه، اردن، عراق، ارمنستان، عربستان، ازبکستان، عمان، فلسطین (رژیم اشغالگر قدس)، مصر، افغانستان، قرقیزستان، امارات، قزاقستان، بحرین، قطر، پاکستان، کویت، تاجیکستان، گرجستان، ترکمنستان، لبنان، ترکیه و یمن (رضایی و مبین دهکردی، ۱۳۸۵).

برای بررسی موضوع مطالعه در میان کشورهای منطقه، شاخص‌های کیفیت آموزش عالی که از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، شده‌اند، با شاخص‌هایی که در مراجع و منابع ارزشیابی بین المللی - مانند یونسکو، بانک جهانی و مانند آن - مبنای تولید اطلاعات و آمار هستند انطباق داده شده‌اند و در نهایت، تلاش شده تا علاوه بر تحلیل بر اساس حداکثر شاخص‌هایی که در بانک‌های اطلاعاتی معتبر دنیا پایه تحلیل قرار دارند از یک سو و شاخص‌های تدوین شده از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی از سوی دیگر، مقایسه‌ای بین وضعیت کشور ما با سایر کشورهای منطقه انجام پذیرد. ضرورت این کار به ویژه از ماهیت مقایسه‌ای این مطالعه ناشی می‌شود.

#### یافته‌ها

برای مقایسه بهتر شاخص‌های آموزش عالی و ارایه تصویری دقیق‌تر از جایگاه کشورمان در قیاس با کشورهای منطقه، ابتدا از نگاهی کلی‌تر برخی شاخص‌های مرتبط با حوزه توسعه انسانی و آموزش را در منطقه بررسی می‌کنیم تا از این رهگذر بتوان وضعیت کشور را از نظر شاخص‌هایی بسیار مهم و مرتبط با شاخص‌های آموزش عالی مورد تحلیل قرار داد. به این منظور، شاخص‌هایی همچون تولید ناخالص داخلی (GDP)، سرانه تولید ناخالص داخلی، نرخ باسوادی، نسبت جنسی جمعیت دارای حداقل مدرک دیپلم، نرخ ورود به مدرسه، میانگین سال‌های مورد انتظار تحصیل مدرسه، میانگین سال‌های تحصیل مدرسه، سهم هزینه کرد آموزش از تولید ناخالص داخلی، درصد کاربران اینترنت، شاخص توسعه انسانی و شاخص کل توسعه انسانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. تفصیل این اطلاعات در جدول زیر آمده است.

جدول ۱. شاخص‌های عمومی در کشورهای منطقه<sup>۱</sup>

رتبه جهانی در HDI	شاخص توسعه انسانی	شاخص توسعه آموزش	درصد کاربران اینترنت	بودجه آموزش (درصد از تولید ناخالص داخلی)	میانگین سال‌های تحصیل	سال‌های مورد انتظار تحصیل مدرسه	درصد کل ورود به مدرسه	نسبت جنسی دارای حداقل مدرک دیپلم	نرخ باسوادی	سرانه تولید ناخالص داخلی	تولید ناخالص داخلی GDP	نام کشور	رتبه
۶۷	۰/۷۱۳	۰/۷۳۴	۲۸.۲	۱.۹	۱۰.۲	۱۳.۰	۶۶.۲	۰.۹۳۸	۹۹.۵	۹۸۷۰	۵۷۵۲	آذربایجان	۱
۸۲	۰/۶۸۱	۰/۶۷۸	۲۷	..	۸.۶	۱۳.۱	۷۸.۷	۰.۷۸۱	۹۱.۱	۵۷۰۰	۴۵۲۵	اردن	۲
۷۶	۰/۶۹۵	۰/۷۲۲	۶.۲	..	۱۰.۸	۱۱.۹	۷۴.۶	۰.۹۹۳	۹۹.۶	۵۲۸۶	۲۹۹۸	ارمنستان	۳
۱۰۲	۰/۶۱۷	۰/۶۸۲	۹	..	۱۰.۰	۱۱.۵	۷۲.۷	..	۹۶.۹	۳۰۸۴	۱۳۸۴	ازبکستان	۴
۱۵	۰/۸۷۲	۰/۸۶۷	۴۷.۹	..	۱۱.۹	۱۵.۶	۸۹.۹	۱.۰۲۱	۹۷.۱	۲۸۲۹۲	۲۸۶۸۳	اسرائیل	۵
۱۵۵	۰/۳۴۹	۰/۳۲۸	۱.۷	..	۳.۳	۸.۰	۵۰.۱	۰.۱۷۱	۲۸.۰	۱۴۱۹	۴۰۵	افغانستان	۶
۳۲	۰/۸۱۵	۰/۶۵۶	۶۵.۲	۰.۹	۹.۲	۱۱.۵	۷۱.۴	۰.۹۹۵	۹۰.۰	۵۶۴۸۵	۵۰۰۷۰	امارات	۷
۷۰	۰/۷۰۲	۰/۶۴۰	۳۲	۴.۸	۷.۲	۱۴.۰	۷۳.۲	۰.۶۸۲	۸۲.۳	۱۱۸۹۱	۴۵۴۰	ایران	۸
۳۹	۰/۸۰۱	۰/۷۳۸	۵۱.۹	۲.۹	۹.۴	۱۴.۳	۹۰.۴	۰.۹۲۶	۹۰.۰	۲۷۸۳۸	۲۶۰۲۱	بحرین	۹
۱۲۵	۰/۴۹۰	۰/۳۶۶	۱۱.۱	۲.۹	۴.۹	۶.۸	۳۹.۳	۰.۵۰۲	۵۴.۲	۲۶۲۵	۱۰۰۸	پاکستان	۱۰
۱۱۲	۰/۵۸۰	۰/۶۷۱	۸.۸	۳.۵	۹.۸	۱۱.۴	۷۰.۹	۱.۰۸۶	۹۹.۷	۲۰۶۵	۷۹۷	تاجیکستان	۱۱
۸۳	۰/۶۷۹	۰/۵۵۷	۳۴.۴	..	۶.۵	۱۱.۸	۷۱.۱	۰.۵۸	۸۸.۷	۱۳۳۵۹	۹۷۱۲	ترکیه	۱۲
-	-	-	۱	..	۵.۶	۹.۷	۶۰.۵	۰.۵۱۵	۷۴.۱	-	۲۵۴۴	عراق	۱۳
۵۵	۰/۷۵۲	۰/۶۵۲	۳۱.۵	۵.۷	۷.۸	۱۳.۵	۷۸.۵	۰.۸۶۸	۸۶.۷	۲۴۲۰۸	۱۴۷۹۹	عربستان	۱۴
-	-	-	۲۰	..	..	۱۱.۱	۶۸.۲	..	۸۶.۳	۲۶۲۵۸	۱۶۲۰۷	عمان	۱۵
۱۰۹	۰/۵۹۸	۰/۶۸۷	۱۶.۱	..	۹.۳	۱۲.۶	۷۷.۳	۰.۹۹۷	۹۹.۴	۲۳۳۲	۸۶۰	قرقیزستان	۱۶
۶۶	۰/۷۱۴	۰/۷۹۵	۱۰.۹	..	۱۰.۳	۱۵.۱	۹۱.۴	۰.۹۷	۹۹.۷	۱۱۹۲۷	۸۷۶۴	قزاقستان	۱۷
۳۸	۰/۸۰۳	۰/۶۱۳	۳۴	..	۷.۳	۱۲.۷	۸۰.۴	۱-۱۳۶	۹۳.۱	۷۷۱۷۸	۶۹۷۵۴	قطر	۱۸
۴۷	۰/۷۷۱	۰/۵۵۶	۳۶.۷	..	۶.۱	۱۲.۵	۷۲.۶	۱.۱۸۹	۹۴.۵	۵۰۲۸۴	۵۴۲۶۰	کویت	۱۹
۷۴	۰/۶۹۸	۰/۷۸۷	۳۳.۸	۲.۹	۱۲.۱	۱۲.۶	۷۶.۷	۰.۹۶۸	۱۰۰.۰	۴۴۴۶	۲۶۲۰	گرجستان	۲۰
-	-	-	۲۲.۵	۲	..	۱۳.۵	۷۸.۰	..	۸۹.۶	۱۳۵۱۰	۹۲۰۳	لبنان	۲۱
۱۰۱	۰/۶۲۰	۰/۵۳۹	۱۶.۶	۳.۸	۶.۵	۱۱.۰	۷۶.۴	۰.۷۱	۶۶.۴	۵۸۴۰	۲۵۹۱	مصر	۲۲
۱۳۳	۰/۴۳۹	۰/۲۹۶	۱.۶	۵.۲	۲.۵	۸.۶	۵۴.۴	۰.۳۱۱	۶۳.۲	۲۵۹۵	۱۱۱۸	یمن	۲۳

تولید ناخالص داخلی کشور برابر با ۴۵۴۰ میلیون دلار بوده است. این میزان رتبه دوازدهم منطقه را به کشور می‌دهد. در میان کشورهای منطقه، قطر، کویت، امارات و رژیم اشغالگر قدس بالاترین شاخص را به خود اختصاص داده‌اند.

<sup>۱</sup> - منبع: پایگاه اطلاعاتی شاخص‌های توسعه انسانی، ۲۰۱۱

از نظر سرانه تولید ناخالص داخلی نیز کشورمان با سرانه ۱۱۸۹۱ دلار در مقام یازدهم منطقه جای دارد. این در حالی است که کشورهای قطر، امارات، کویت و رژیم اشغالگر قدس جایگاه‌های برتر منطقه را به خود اختصاص داده‌اند.

باسوادی جمعیت بالای ۱۵ سال کشور ۸۲/۳ درصد بوده است. با وجود تلاش‌های قابل توجه آموزشی در کشور برای رسیدن به نرخ حداکثری باسوادی، جایگاه کشورمان در منطقه رتبه هفدهم است. در این میان، قزاقستان، ارمنستان و تاجیکستان برترین شاخص‌ها را دارا هستند.

از نظر نسبت جنسی زنان به مردان دارای حداقل مدرک دیپلم متوسطه، شاخص کشورمان ۰/۶۸۲ بوده است. با این شاخص کشورمان در رتبه پانزدهم قرار می‌گیرد. از این نظر، رتبه‌های برتر منطقه به ترتیب به کشورهای کویت، قطر، تاجیکستان و رژیم اشغالگر قدس اختصاص دارد.

شاخص نرخ ورود به مدرسه، برای ایران ۷۳/۲ درصد بوده است. با این عدد کشورمان رتبه دوازدهم منطقه را داراست. اما کشورهای برتر قزاقستان، بحرین و رژیم اشغالگر قدس هستند.

از نظر شاخص سال‌های مورد انتظار تحصیل مدرسه، کشورمان در میان کشورهای برتر در منطقه قرار دارد. شاخص یادشده بر اساس آخرین اطلاعات منتشر شده، برای کشورمان ۱۴ بوده است. با این شاخص کشورمان در رتبه چهارم منطقه قرار دارد. کشورهای رژیم اشغالگر قدس، قزاقستان و بحرین بالاتر از کشورمان رتبه‌های اول تا سوم را در اختیار دارند.

از نظر میانگین سال‌های تحصیل مدرسه، شاخص کشورمان ۷/۲ بوده است. این شاخص، ایران را در رتبه چهاردهم منطقه قرار می‌دهد. کشورهای گرجستان، آذربایجان و ازبکستان در رتبه‌های اول تا سوم قرار دارند.

سهم هزینه‌کرد آموزش از تولید ناخالص داخلی، شاخصی است که در آن کشورمان در ردیف سه کشور برتر منطقه قرار دارد. شاخص یاد شده برای ایران ۴/۸ بوده و با این شاخص در رتبه سوم منطقه قرار داریم. این در حالی است که عربستان سعودی و یمن رتبه‌های اول و دوم منطقه را در اختیار دارند. البته باید افزود که در این مورد، اطلاعات مربوط به شاخص‌های دوازده کشور در دسترس بوده و در نتیجه مقایسه بین ۱۱ کشور انجام شده است.

شاخص دیگری که هرچند دقیقاً در حوزه آموزش نیست، اما به عنوان شاخصی مرتبط با حوزه امکانات دسترسی به منابع دانش و اطلاعات اهمیت روزافزونی یافته، درصد کاربران اینترنت است.



از این نظر، کشورمان با شاخص ۳۲ درصد کاربر اینترنت از کل جمعیت در رتبه هفتم منطقه قرار دارد. رتبه‌های اول تا سوم منطقه در این شاخص به ترتیب متعلق به امارات متحده عربی، بحرین و رژیم اشغالگر قدس است.

و اما از نظر شاخص توسعه آموزش، کشور ما با عدد ۰/۶۴۰ در رتبه سیزدهم منطقه قرار دارد. در این شاخص رژیم اشغالگر قدس، قزاقستان و گرجستان به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم را در میان کشورهای منطقه دارا هستند.

از نظر شاخص کل توسعه انسانی نیز رژیم اشغالگر قدس، امارات متحده عربی و قطر به ترتیب در رتبه‌های اول تا سوم منطقه جای دارند. این شاخص برای کشور ما ۰/۸۷۲ است که ایران را در جایگاه نهم در میان کشورهای منطقه قرار می‌دهد.

در مجموع از تمامی شاخص‌های بررسی شده، رژیم اشغالگر قدس در پنج شاخص در میان سه کشور برتر منطقه قرار دارد. همچنین قزاقستان، امارات متحده عربی و قطر در چهار شاخص، جزو سه کشور برتر منطقه بوده‌اند. این در حالی است که بحرین و کویت، در سه شاخص حایز رتبه‌های برتر منطقه هستند. علاوه بر این، جمهوری آذربایجان و گرجستان نیز در دو شاخص خود را در جمع سه کشور برتر منطقه می‌بینند. کشور ایران نیز به همراه عربستان، ازبکستان، یمن و ارمنستان، از جمله کشورهایی است که در یک شاخص توانسته خود را در جمع سه کشور اول منطقه ببیند. این یافته‌های نشان می‌دهد که بیش از همه کشورهایی مانند رژیم اشغالگر قدس، قزاقستان، قطر، امارات متحده عربی و حتی کشورهایی مانند کویت و بحرین، رقیبان مهمی برای ما در رشد شاخص‌های توسعه انسانی و آموزشی به شمار می‌آیند. هرچند کشورهای دیگری مانند گرجستان، جمهوری آذربایجان، تاجیکستان، ارمنستان، عربستان سعودی، ازبکستان و یمن نیز به هیچ وجه خود را عقب‌تر از ایران نمی‌بینند.

### شاخص‌های آموزش عالی

#### ۱- نرخ ناخالص پذیرفته‌شدگان

در مورد نرخ ناخالص ثبت نام یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این شاخص در کشور ما در سال ۲۰۰۹ برابر با ۳۶ درصد بوده است. این میزان در بین کشورهای منطقه در جایگاه هشتم قرار

دارد. البته از بین ۲۴ کشور مورد بررسی، اطلاعات مربوط به ۲۳ کشور در دسترس بوده و داده‌های کشور ترکمنستان در تمامی سال‌های ۹۸ تا ۲۰۱۰ ارایه نشده است. در شاخص نرخ ناخالص ثبت نام، رژیم اشغالگر قدس، با ۶۳ درصد در رتبه اول منطقه قرار دارد. پس از آن کشورهای لبنان با ۵۳ و قرقیزستان و بحرین ۵۱ درصد قرار دارند. در انتهای این رتبه بندی نیز پاکستان با ۵ و افغانستان با ۴ درصد نرخ ناخالص ثبت نام واجدان شرایط سنی در آموزش عالی، قرار دارند. میانگین شاخص جهانی در این بخش در سال ۲۰۰۸، ۲۷ درصد بوده است. بر این اساس، وضعیت کشورمان در این مورد بالاتر از شاخص میانگین جهانی، اما نه چندان مطلوب در قیاس با کشورهای منطقه است.

## ۲- نرخ ناخالص پذیرفته‌شدگان زن

در حالی که نرخ ناخالص ثبت نام در کشور ما در جایگاه هشتم منطقه قرار داشته، نرخ ناخالص ثبت نام زنان، یعنی درصد ثبت نام زنان واجد شرایط سنی در آموزش عالی با ۳۸ درصد در جایگاه نهم منطقه قرار دارد. در این جا نیز هیچ داده‌های معتبری در مورد کشور ترکمنستان در دسترس نبوده و مقایسه بین ۲۴ کشور انجام شده است. در میان کشورهای منطقه، بازم رژیم اشغالگر قدس با ۷۱ درصد بیشترین میزان این شاخص را به خود اختصاص داده است. پس از این کشور، قرقیزستان با ۵۸ درصد و لبنان و ارمنستان با ۵۷ درصد نرخ ناخالص ثبت نام زنان در جایگاه‌های دوم و سوم منطقه قرار دارند. در انتهای این لیست بازم پاکستان و افغانستان به ترتیب با ۵ و یک درصد قرار دارند. میانگین شاخص کشورهای جهان در این مورد ۲۸ درصد بوده است. هرچند بر این اساس نیز استنباط می شود که وضعیت کشور ما بالاتر از شاخص میانگین جهانی است، اما در جهت دستیابی به اهداف سند چشم انداز، جایگاه نهم منطقه جایگاه مطلوبی به شمار نمی آید (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص‌های آموزش، ۲۰۱۱).

## ۳- نسبت جنسی نرخ خام پذیرفته‌شدگان

یکی دیگر از شاخص‌های مهم در بخش‌های مختلفی که مربوط به توسعه می شود، رعایت نسبت جنسی متوازن است. بر این اساس نسبت جنسی زن به مرد در نرخ ناخالص ثبت نام بین کشورهای منطقه مورد مقایسه قرار گرفته است. میزان این شاخص در ایران برابر با ۱۰۷ است. این میزان نشان دهنده یک نوع توازن نسبی بین دو جنس زن و مرد در نرخ ناخالص ثبت نام است. این

در حالی است که شاخص یادشده در کشور مانند قطر عدد ۶.۳۱ را نشان می دهد که در نوع خود جالب توجه است. دومین رتبه در این شاخص با ۲.۱۴ متعلق به کویت است. شاخص امارات نیز ۱.۸۹ است. اما متوازن ترین نسبت جنسی را در این شاخص، در کنار ایران، کشورهایی مانند آذربایجان و بحرین داشته اند. در مقابل، افغانستان به عدم توازن را به نفع مردان تجربه کرده و شاخص ۰.۲۴ را نشان می دهد. در اینجا بازهم هیچ داده ای برای کشور ترکمنستان در دسترس نبود. میانگین شاخص جهانی نیز در این مورد برابر با ۱.۰۸ و بسیار نزدیک به شاخص کشور ماست. بنابراین باید گفت در مورد نسبت جنسی در نرخ ناخالص ثبت نام، کشور ما وضعیت مطلوبی داراست (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص های آموزش، ۲۰۱۱).

#### ۴- درصد دانشجویان کارشناسی از کل

به طور طبیعی انتظار می رود که درصد دانشجویان مقطع کارشناسی در هر کشوری بیشتر از سایر مقاطع تحصیلی مانند کاردانی، کارشناسی ارشد و دکتری باشد. در عین حال، این میزان بین کشورهای مختلف ممکن است متفاوت باشد. به عنوان نمونه این شاخص در قزاقستان برابر با ۱۰۰ است به این معنا که تقریباً تمامی دانشجویان که در دانشگاه ها و مراکز و آموزش عالی این کشور تحصیل می کنند در مقطع کارشناسی هستند. به بیان دیگر، هیچ توسعه ای در بخش تحصیلات تکمیلی در این کشور صورت نگرفته است. این شاخص در کشور ما برابر ۷۶ درصد است. از این نظر، شاخص یادشده در ایران پس از ترکیه و عمان در جایگاه کمترین میزانها قرار دارد. در واقع کمترین شاخص ها در منطقه به طور غیرمستقیم نشان دهنده اختصاص سهم مهمتری به دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه های یک کشور است. در این بخش نیز داده های افغانستان در دسترس نبود و مقایسه بین ۲۲ کشور انجام شده است (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص های آموزش، ۲۰۱۱).

#### ۵- درصد دانشجویان کارشناسی ارشد از کل

توسعه آموزش عالی در مقطع تحصیلات تکمیلی یکی از بخش های مهم در میان شاخص های کیفیت آموزش عالی است. البته این توسعه تنها منحصر به توسعه کمی نبوده و مستلزم توجه به زیرساخت های سخت افزاری و انسانی برای تربیت نیروهای متخصص در سطوح بالاتر از کارشناسی است. درصد دانشجویان کارشناسی ارشد به کل دانشجویان در ایران ۲۳ درصد است که رتبه

چهارم منطقه را به خود اختصاص می دهد. رتبه نخست منطقه در این شاخص با ۳۲ درصد متعلق به ازبکستان است. ترکیه و عمان نیز با ۳۰ و ۲۹ درصد در رتبه های دوم و سوم قرار دارند. در انتهای لیست نیز، بحرین، پاکستان و مصر، به ترتیب با ۶، ۵ و ۴ درصد دانشجوی کارشناسی ارشد به کل جمعیت دانشجو، کمترین میزان را در میان کشورهای منطقه دارند. بر این اساس، جایگاه کشور ما از نظر توسعه کمی ظرفیت کارشناسی ارشد، جایگاه ممتازی در منطقه است. هرچند از این نظر رتبه نخست منطقه در اختیار ایران نیست، اما با توجه به روند رو به رشد کشور در سال های اخیر انتظار می رود که این جایگاه ارتقا یابد. در عین حال یادآوری لزوم توجه به توسعه زیر ساخت های انسانی و ساخت افزاری در کنار این توسعه کمی اهمیت اساسی دارد.

نکته پایانی این که داده های مربوط به کویت، قزاقستان، تاجیکستان و افغانستان در این بخش در دسترس نبود و بنابراین مقایسه انجام شده بین ۱۹ کشور انجام شده است (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص های آموزش، ۲۰۱۱).

### ۶- درصد دانشجویان دکتری به کل

بر خلاف مقطع کارشناسی ارشد، ظرفیت تحصیل در مقطع دکتری در کشورهای گوناگون، بسیار کمتر است. در واقع تربیت نیروی متخصص در این سطح تنها برای نقش ها و وظایف شغلی ویژه انجام میشود. بر این اساس منطقی است که بین ۱ تا ۵ درصد از دانشجویان هر کشور در این مقطع تحصیل کنند. اما در منطقه جنوب غرب آسی و خاور میانه آنچه جالب توجه است این که بالاترین میزان را در این شاخص کشور عراق با ۵ درصد به خود اختصاص داده است. این میزان برای کشور ما نیز ۱ درصد بوده است. البته با سیاست های پیش رو در توسعه کمی بیش از پیش در ظرفیت پذیرش دانشجوی دکتری، انتظار می رود این شاخص در سال های آینده یک رشد جهش گونه را تجربه کند و حتی به بالاتر از میانگین شاخص جهانی که ۲ درصد است، برسد.

در این بخش، داده های هشت کشور بحرین، عمان، قطر، امارات، یمن و افغانستان در دسترس نبوده و بنابراین مقایسه بین ۱۷ کشور انجام شده است (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص های آموزش، ۲۰۱۱).

## ۷- درصد دانشجویان زن در مقطع کارشناسی

سهم زنان از آموزش عالی در مقطع کارشناسی تعیین کننده نسبت جنسی نیروهای متخصص کارشناس در رشته‌های مختلف خواهد بود که قرار است تخصص‌های عمومی و مشاغل تخصصی را که نیاز به تحصیل کارشناسی دارند در اختیار بگیرند. شاخص درصد زنان در مقطع کارشناسی برای کشور ما ۵۵ درصد است. این میزان در مقایسه با سایر کشورهای منطقه در رتبه هفتم قرار دارد. در این میان، قطر با اختصاص ۷۳ درصد از دانشجویان کارشناسی خود به زنان رتبه نخست منطقه را داراست. همچنین کویت و عربستان با وجودی که از کشورهایی با محدودیت‌های خاص در مورد زنان هستند، با ۶۵ و ۶۲ درصد، دومین و سومین رتبه را به خود اختصاص داده اند. در مقابل، تاجیکستان و یمن با ۲۹ و ۲۲ درصد دانشجوی زن در کل دانشجویان کارشناسی، رتبه‌های آخر را دارا بوده اند. البته آخرین داده‌های کشور یمن مربوط به سال ۲۰۰۰ بوده است. بنابراین امکان دارد که در این ۱۱ سال شاخص یادشده در کشور یمن ارتقا یافته باشد.

در مجموع جایگاه کشور ما از نظر توازن جنسی در سطح کارشناسی نیز در جایگاه نسبتاً مطلوبی است، چرا که نه غلبه جنسی مردان به طور فاحش و نه غلبه جنسی زنان به طور قابل ملاحظه، هیچ یک نشان دهنده یک توسعه متوازن در بعدی از آموزش عالی نیست.

مقایسه و تحلیل انجام شده با در نظر گرفتن عدم وجود اطلاعات بحرین، مصر و افغانستان و بنابراین با ۲۰ کشور ارایه شده است (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص‌های آموزش، ۲۰۱۱).

## ۸- درصد دانشجویان زن در مقطع کارشناسی ارشد

نسبت دانشجویان زن در مقاطع تحصیلات تکمیلی ممکن است در مواردی کاهش یابد. این امر می‌تواند به دلایل مختلفی که مربوط به ساختار اجتماعی و ویژگی‌های فرهنگی جوامع است، رخ دهد. بنابراین ممکن است کشوری دارای نسبت جنسی بالایی برای زنان در مقطع کارشناسی باشد، اما این نسبت در مقاطع تحصیلات تکمیلی وجود نداشته باشد. کشور ما نیز تا حدودی مصداق این وضعیت است. شاخص نسبت جنسی زنان در مقطع کارشناسی ارشد، ۳۷ درصد است. این میزان رتبه سیزدهم منطقه را در میان کشورهای مورد مقایسه نشان می‌دهد. از این نظر، آذربایجان با ۷۱ درصد دانشجوی کارشناسی ارشد زن رتبه نخست را دارد. ارمنستان و قرقیزستان نیز با ۶۴ و ۵۹ درصد در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. در مقابل، یمن با ۱۳، عربستان با ۲۱ درصد و عراق با ۲۲

درصد، کمترین سهم را به دانشجویان زن در مقطع کارشناسی ارشد داده اند. البته آخرین داده‌های کشور یمن مربوط به سال ۲۰۰۰ بوده است.

بنابر آنچه آمد، جایگاه کشور ما در این شاخص به هیچ وجه جایگاه مطلوبی نیست. در عین حال با توجه به افزایش میل زنان و دختران جامعه به ارتقای تحصیلات خود تا سطوح تحصیلات تکمیلی و نیز انتظار انتقال موج دانشجویان زن در مقطع کارشناسی به مقطع کارشناسی ارشد و دکتری، شاخص یادشده در سال‌های آینده ارتقا و بهبود یابد.

نکته نهایی اینکه در مقایسه انجام شده، کشورهای بحرین، مصر، کویت، قزاقستان، تاجیکستان و افغانستان، هیچ داده‌ای در دسترس نداشتند. بنابراین، تحلیل انجام شده بین ۱۷ کشور انجام شده است (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص‌های آموزش، ۲۰۱۱).

#### ۹- درصد دانشجویان زن در کل

فراتر از تفکیکی که در هریک از مقاطع تحصیلی انجام شد، نسبت و سهم زنان از کل جمعیت دانشجویی نیز اهمیت دارد. شاخص یادشده در ایران بنابر آخرین اطلاعات که مربوط به سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸ شمسی) بوده ۵۱ درصد است. این میزان در میان ۲۳ کشور مورد مطالعه در جایگاه سیزدهم قرار دارد. در عین حال، میزان ۵۱ درصد، یک نوع توازن متعادل را بین دو جنس زن و مرد در کل جمعیت دانشجویی نشان می‌دهد. این در حالی است که شاخص یادشده برای کشور کویت و قطر، ۶۴ درصد، و در کشور امارات، ۶۰ درصد است. در عین حال باید توجه داشت که آخرین اطلاعات معتبر موجود از کویت مربوط به سال ۲۰۰۴ است.

در انتهای این لیست مقایسه‌ای که بین کشورها ارایه شد، افغانستان با ۱۸ درصد و دو کشور یمن و تاجیکستان با ۲۹ درصد قرار دارند. همچنین عراق نیز با ۳۶ درصد کشوری است که در آن سهم زنان از جمعیت دانشجویی کمتر از ۴۰ درصد است. میانگین شاخص جهانی در این مورد برابر با ۵۱ درصد و کاملاً منطبق با شاخص کشور ماست. از این رو باتوجه به توازن جنسیتی متعادل مربوط به این شاخص در ایران، می‌توان از وضعیت کشور در این مورد دفاع کرد. در عین حال آنچه اهمیت دارد این است که این سهم جنسیتی به تناسب تقاضای زنان برای ورود به دانشگاه باشد. با نگاهی به نرخ ناخالص ثبت نام زنان در آموزش عالی به نظر می‌رسد این شرایط نیز تاحدی در ایران وجود دارد (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص‌های آموزش، ۲۰۱۱).

### ۱۰- نرخ ناخالص اتمام مقطع کارشناسی

علاوه بر ورود به آموزش عالی و حتی مهم‌تر از آن، اتمام موفقیت آمیز تحصیل در هر مقطع است. این شاخص علاوه بر آن که سنجشی از موفقیت‌های فردی به شمار می‌آید، می‌تواند زیر تأثیر شرایط ساختاری و کیفیت نظام آموزش عالی نیز بوده و از این جهت مورد بررسی قرار گیرد. شاخص یادشده برای کشور ما برابر با ۱۴ درصد است. به بیان دیگر ۱۴ درصد از کسانی که تحصیلات دبیرستان را پشت سر گذارده‌اند، موفق به اتمام تحصیلات در مقطع کارشناسی هم شده‌اند. از این نظر کشور ما در بین ۱۷ کشور منطقه که اطلاعات معتبری از آن‌ها در دسترس بوده، در جایگاه ۳۳ قرار گرفته است. اطلاعات معتبری از کشورهای بحرین، کویت، عمان، یمن، افغانستان و پاکستان موجود نبوده و در نتیجه این تحلیل مقایسه‌ای بین ۱۷ کشور انجام شده است. در میان کشورهای مورد مقایسه بالاترین شاخص مربوط به قزاقستان است که شاخص نرخ ناخالص اتمام مقطع کارشناسی در آن ۶۱ درصد است. این شاخص برای رتبه‌های دوم و سوم، یعنی قزاقستان و گرجستان، به ترتیب برابر با ۴۲ و ۳۷ درصد است. در مقابل، شاخص یادشده برای قطر، ۳ و برای عراق و تاجیکستان ۱۱ درصد بوده است.

در مجموع می‌توان گفت که جایگاه کشور ما در این شاخص به هیچ وجه مطلوب نیست و حتی با توجه به روند مثبت فعلی، بازهم دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز دشوار می‌نماید (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص‌های آموزش، ۲۰۱۱).

### ۱۱- نرخ ناخالص اتمام مقطع کارشناسی بین زنان

در میان زنان، نرخ ناخالص اتمام دوره کارشناسی، بالاتر از شاخص کل برای کشور ماست. این میزان بر اساس اطلاعات سال ۲۰۰۹ مرکز آمار یونسکو، ۱۷ درصد بوده است. از این نظر، ایران در میان کشورهای منطقه در جایگاه دوازدهم را داراست. این در حالی است که مقایسه یادشده با توجه به نبود اطلاعات معتبر برای هفت کشور تاجیکستان، بحرین، کویت، عمان، یمن، افغانستان و پاکستان، بین ۱۶ کشور انجام شده است. در این میان، شاخص مربوط به قزاقستان با ۷۱ درصد نرخ ناخالص اتمام دوره کارشناسی برای زنان، رتبه اول منطقه بود و پس از آن، قزاقستان با ۴۷ و گرجستان با ۴۴ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در مقابل، عراق با ۹ و قطر و ازبکستان با ۱۱ درصد در رتبه‌های آخر منطقه قرار دارند. البته باید افزود که آخرین اطلاعات موجود از عراق به

سال ۷ سال قبل از تدوین از گزارش پژوهش، یعنی ۲۰۰۴ میلادی بازمی‌گردد. افزایش و ارتقای شاخص در این هفت سال امری محتمل است. در مجموع باید گفت که وضعیت کشور ما در این مولفه از توسعه آموزش عالی نیز به هیچ وجه مطلوب نیست. از این نظر، کشور ما حتی جزو نیمه بالایی کشورهای منطقه نیز قرار ندارد (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص‌های آموزش، ۲۰۱۱).

### ۱۲- نسبت جنسی (زن به مرد) در نرخ ناخالص اتمام مقطع کارشناسی

در حالی که نرخ ناخالص اتمام دوره کارشناسی برای ایران، در کل، ۱۴ درصد و برای زنان ۱۷ درصد بوده، میزان آن در گروه مردان برابر با ۱۲ درصد بوده است. بنابراین به خوبی مشخص است که این شاخص در میان زنان بالاتر و نشان از شرایط موفقیت‌آمیز بیشتری برای زنان دانشجو است. همین تفاوت بین دو گروه موجب شده تا شاخص نسبت جنسی در این مورد به نفع زنان باشد. براین اساس، شاخص نسبت جنسی اتمام دوره کارشناسی برای کشور ما برابر با ۱/۳۸ بوده است. از این نظر، کشور ما در رتبه هفتم منطقه قرار دارد. قطر مشابه با برخی شاخص‌های آن مانند نسبت‌های جنسی نرخ ناخالص ثبت نام که کاملاً به نفع گروه زنان بوده، در اینجا نیز دارای نسبت جنسی ۱۰/۳۶ است. رتبه‌های دوم و سوم منطقه یعنی امارات و عربستان با ۲/۲۹ و ۲/۲۷ فاصله زیادی با قطر دارند. در انتهای این لیست مقایسه‌ای نیز عراق با ۰/۶۸، ازبکستان با ۰/۷۸ و آذربایجان با ۰/۸۰ ایستاده‌اند.

در پایان باید افزود که مقایسه‌ی انجام شده با توجه به عدم وجود داده‌های معتبر در کشورهای بحرین، کویت، عمان، یمن، تاجیکستان، افغانستان و پاکستان، بین ۱۶ کشور منطقه انجام شده است (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص‌های آموزش، ۲۰۱۱).

### ۱۳- درصد زنانی که تحصیلات عالی را تمام کرده‌اند

در این شاخص که موفقیت دانشجویان زن را در اتمام تحصیلات عالی نشان می‌دهد، کشور ما در رتبه سیزدهم منطقه قرار دارد. میزان شاخص در این بخش برای ایران ۵۲ درصد است. رتبه نخست منطقه به قطر و ارمنستان با ۶۲ درصد تعلق دارد. شاخص قرقیزستان نیز ۶۱ درصد است. در مقابل، شاخص یادشده برای افغانستان ۱۹ و برای تاجیکستان ۲۳ درصد است. اطلاعات کشورهای بحرین، کویت، قزاقستان و پاکستان در این بخش در دسترس نبوده و بنابراین مقایسه یادشده بین ۱۹ کشور انجام شده است.



در این شاخص هم مشاهده می شود که رتبه و جایگاه کشورمان در منطقه یک جایگاه ممتاز نیست. میزان اتمام موفقیت آمیز مقاطع مختلف آموزش عالی یکی از شاخص‌هایی است که ارتقای هرچه بیشتر آن باید هدف باشد، اما وضعیت فعلی در شاخص‌های کشور ما نشان از فاصله زیاد با کشورهای برتر منطقه دارد (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص‌های آموزش، ۲۰۱۱).

#### ۱۴- نسبت دانشجوی به ۱۰۰ هزار نفر جمعیت

یکی دیگر از شاخص‌هایی که بخشی از مولفه‌های توسعه آموزش عالی و کیفیت آن را در کشورهای مختلف نشان می‌دهد و به ویژه توسعه کمی را می‌سنجد، نسبت تعداد دانشجو به یکصد هزار نفر جمعیت ساکن است. این شاخص توان ارزیابی توسعه کمی آموزش عالی را به نسبت جمعیت هر کشور نشان می‌دهد؛ چرا که تعداد مطلق دانشجو در کشورهای مختلف می‌تواند تابع وسعت و به ویژه جمعیت آن کشور باشد. شاخص یادشده برای کشور ما با یک رشد مداوم در سال‌های اخیر مواجه بوده و در آخرین اطلاعات موجود به ۴۵۹۹ نفر به یکصد هزار نفر جمعیت کشور، رسیده است. این عدد کشور را در میان کشورهای منطقه در رتبه پنجم قرار داده است. قرقیزستان با ۵۴۹۷، ارمنستان با ۵۰۹۲ و رژیم اشغالگر قدس با ۴۸۷۵ نفر دانشجو به صد هزار نفر در رتبه‌های اول تا سوم منطقه قرار دارند. در مقابل افغانستان با ۳۵۲، پاکستان با ۵۶۶ و قطر با ۹۴۲ نفر دانشجو به صد هزار نفر جمعیت در آخرین جایگاه‌های منطقه قرار دارند (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص‌های آموزش، ۲۰۱۱).

#### ۱۵- درصد دانش‌آموختگان از دانشگاه

از کل جمعیت دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در هر کشور، هرساله تعدادی دانش‌آموخته می‌شوند. به طور منطقی این تعداد باید کسری معین از کل دانشجویان باشد که در نتیجه نشان دهنده اتمام موفقیت آمیز تحصیلات عالی در نظام آموزشی باشد. این شاخص برای کشور ما ۶ درصد است. از این نظر بازهم کشور ما جایگاه دوازدهم را داراست. در میان کشورهای منطقه، عمان و ازبکستان با ۳۶ درصد رتبه نخست را به خود اختصاص داده‌اند. جمهوری آذربایجان نیز با ۱۹ درصد در جایگاه سوم قرار گرفته است. اما در انتهای این لیست، گرجستان با ۴ درصد و تاجیکستان و لبنان با ۵ درصد قرار گرفته‌اند و کشور ما نیز از آخر، در جایگاه چهارم

است. این در حالی بوده که داده‌های معتبر از هفت کشور بحرین، مصر، کویت، یمن، قزاقستان، افغانستان و پاکستان در دسترس نبود. بنابراین مقایسه یادشده بین ۱۶ کشور منطقه انجام شده است. همانطور که مشاهده شد، درصد دانش‌آموختگان به کل دانشجویان نیز شاخصی دیگر بود که در آن جایگاه کشور ما نه در رتبه‌ای ممتاز، بلکه در رده‌ای نازل در میان کشورهای منطقه تعیین شد (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص‌های آموزش، ۲۰۱۱).

### ۱۶- درصد دانش‌آموختگان زن از کل دانش‌آموختگان دانشگاه

سهم زنان از جمعیت دانش‌آموختگان شاخص دیگری است که مورد مطالعه قرار گرفته است. شاخص یادشده برای کشور ما برابر با ۷۲ درصد بوده است. بر این اساس، در میان کشورهای منطقه ایران در جایگاه دهم قرار گرفته است. در عین حال باید یادآوری شد که اطلاعات هشت کشور بحرین، مصر، کویت، یمن، قزاقستان، تاجیکستان، افغانستان و پاکستان در این مورد در دسترس نبوده و مقایسه بین ۱۵ کشور انجام شده است. در این میان، لبنان با ۹۲ و آذربایجان و گرجستان با ۹۰ درصد در رتبه‌های اول تا سوم منطقه قرار دارند. کمترین درصد دانش‌آموختگی زنان نیز متعلق به عربستان، عراق و ترکیه بوده است. البته این رده بندی به این معنا نیست که شاخص مورد بررسی در این بخش باید هرچه بالاتر باشد تا نشان از کیفیت مناسب آموزش عالی داشته باشد. به بیان دیگر در اینجا نیز به دلیل آنکه سخن از یک نوع سهم و نسبت جنسی است، یک نوع توازن و تعادل جنسی به ویژه با توجه به نرخ و نسبت جنسی دانشجویان، می‌تواند هدف باشد. در واقع مهم این است که یک نوع انطباق نسبی بین سهم جمعیتی زنان و مردان از جمعیت دانشجو با سهم جمعیتی هر یک از آنان از جمعیت دانش‌آموختگان وجود داشته باشد (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص‌های آموزش، ۲۰۱۱).

### ۱۷- درصد هزینه سرانه آموزش عالی از سرانه تولید ناخالص داخلی

میزان هزینه کرد در بخش‌های مختلف نشان دهنده توجه به آن حوزه از توسعه در یک کشور است. بنابراین، مقایسه و تحلیل هزینه آموزش و به طور اختصاصی در این مطالعه، هزینه‌های آموزش عالی، می‌تواند شاخصی برای ارزیابی آموزش عالی باشد. یکی از این شاخص‌ها، «درصد هزینه سرانه آموزش عالی از سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP)» است. این شاخص برای کشور ما ۲۲/۲ دلار بوده است. این در حالی است که میزان یادشده برای کویت که رتبه نخست منطقه را

داراست برابر با ۱۲۵/۲ دلار و برای رتبه‌های دوم و سوم منطقه، یعنی عربستان و عمان، به ترتیب ۹۳/۷ دلار و ۴۴/۶ دلار بوده است. کشور ما نیز در این میان در جایگاه پنجم قرار دارد. در انتها، ارمنستان و قزاقستان با ۷/۴ و ۷/۹ دلار قرار دارند. البته مقایسه بین ۱۴ کشور انجام شده و داده‌های معتبری از افغانستان، بحرین، مصر، عراق، اردن، پاکستان، قطر، ازبکستان و یمن در دسترس نبوده است.

بر اساس تحلیل انجام شده باید گفت هرچند سرمایه‌گذاری در امر آموزش عالی کشور در حد قابل قبولی است ولی هنوز تا دستیابی به رتبه نخست منطقه فاصله‌ای چهار پله‌ای داریم (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص‌های آموزش، ۲۰۱۱).

### **۱۸- درصد بودجه آموزش عالی در بخش هزینه‌های جاری از کل هزینه‌های آموزشی در موسسات عمومی**

این شاخص نشان دهنده سهم هزینه‌های جاری آموزش عالی از کل هزینه‌های آموزش در کشور است. عدد یادشده برای کشور ما بر اساس آخرین اطلاعات موجود ۸۸/۲ درصد بوده است. این میزان در بین کشورهای منطقه در رتبه نهم قرار دارد. جمهوری آذربایجان با ۹۷/۸ درصد، لبنان با ۹۷/۴ درصد و عمان با ۹۶/۷ درصد از این نظر در رتبه‌های اول تا سوم منطقه قرار دارند. از سوی دیگر، قزاقستان و اردن هریک به ترتیب با ۷۴/۶ و ۷۶/۵ درصد در آخرین رتبه‌های منطقه قرار گرفته‌اند. البته این مقایسه بین یازده کشور از ۲۵ کشور منطقه انجام شده و اطلاعات معتبری از کشورهای افغانستان، ارمنستان، بحرین، مصر، گرجستان، عراق، پاکستان، قطر، عربستان، امارات، ازبکستان و یمن در اختیار نبود. بنابراین مشاهده می‌شود که ایران از نظر سهم هزینه‌های جاری آموزش عالی از کل هزینه‌های آموزشی در موسسات عمومی از بین ۱۱ کشوری که اطلاعات آنها مورد تحلیل قرار گرفته، در جایگاه نهم قرار گرفته است؛ جایگاهی که نمی‌تواند به هیچ وجه مطلوب باشد (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص‌های آموزش، ۲۰۱۱).

### **۱۹- درصد بودجه عمومی موسسات و سازمان‌های آموزش عالی از کل تولید ناخالص داخلی**

این شاخص نشان دهنده‌ی میزان سهمی است که از تولید ناخالص ملی به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی اختصاص می‌یابد. شاخص یادشده برای کشور ما ۱/۰ از کل تولید ناخالص ملی

است. از این نظر، ما پس از کویت که با ۱/۲ درصد در جایگاه برتر منطقه قرار گرفته، رتبه دوم قرار داریم. رتبه سوم منطقه نیز با ۰/۹ درصد اختصاص به قرقیزستان دارد. در مقابل کشورهای صدر منطقه در این شاخص، کشورهای آذربایجان با ۰/۲ درصد و گرجستان و ارمنستان با ۰/۳ درصد سهم بودجه دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی از تولید ناخالص داخلی در آخرین رتبه‌های منطقه قرار گرفته‌اند. در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت وضعیت کشور ما در منطقه با توجه به این شاخص، جایگاه مناسبی را نشان می‌دهد. هرچند که رتبه نخست در اختیار کشور ما نیست، اما قرار گرفتن در رتبه دوم منطقه نیز قابل چشم‌پوشی نیست. نکته‌هایی این که در این مقایسه نیز تعدادی از کشورها دارای اطلاعات معتبر نبودند (افغانستان، بحرین، مصر، عراق، پاکستان، قطر، عربستان، ازبکستان و یمن) و مقایسه انجام شده بین چهارده کشور بوده است (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص‌های آموزش، ۲۰۱۱).

#### ۲۰- درصد بودجه آموزش عالی از کل بودجه آموزش

اگر از نظر درصد بودجه دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی از کل تولید ناخالص داخلی، در مقام دوم منطقه قرار داشتیم، اما از نظر درصد بودجه آموزش عالی از کل بودجه آموزش، کشور ما با عدد ۲۲/۰ درصد در رتبه ششم منطقه قرار دارد. از این نظر، بازم کویت با ۳۲/۶ درصد در رتبه نخست منطقه قرار دارد. ترکیه با ۲۷/۹ و لبنان با ۲۶/۶ درصد، به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. در مقابل، آذربایجان با ۱۱/۳ درصد، گرجستان با ۱۱/۶ درصد و ارمنستان با ۱۱/۷ درصد در رتبه‌های آخر منطقه قرار دارند. بر این اساس، چنین ارزیابی می‌شود که موقعیت کشور ما در منطقه با توجه به این شاخص ممتاز نیست و نیاز به رشد و ارتقا در سال‌های باقی‌مانده زمان رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز دارد.

یادآوری‌هایی اینکه بازم در اینجا اطلاعات کشورهایمانند افغانستان، بحرین، مصر، عراق، پاکستان، قطر، ازبکستان و یمن در دسترس نبود و مقایسه با ۱۵ کشور انجام شده است (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص‌های آموزش، ۲۰۱۱).

#### ۲۱- درصد بودجه آموزش عالی از بودجه جاری عمومی

از نظر سهم آموزش عالی از بوجه جاری کل کشور، ایران در جایگاه پنجم منطقه قرار دارد. این شاخص برای ایران ۲۱/۱ بوده است. در میان کشورهای مورد مقایسه، بازم کویت با ۲۹/۷

درصد در رتبه نخست قرار دارد. پس از آن، لبنان با ۲۹/۵ درصد و عمان با ۲۷/۱ درصد در جایگاه‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند. در مقابل، تاجیکستان با ۵/۰ درصد، ارمنستان با ۱۰/۹ درصد و ۱۱/۴ درصد در آخرین رتبه‌های منطقه قرار دارند.

در حالی که با وجود عدم دسترسی به داده‌های معتبر در تعدادی از کشورهای منطقه مقایسه بین تنها ۱۰ کشور انجام شد، مشاهده می‌شود که کشورمان در رتبه پنجم جای گرفته است. از این نظر، بازم نیاز جدی به توجه روز افزون و اختصاص سهم بیشتری از بودجه جاری کشور به حوزه آموزش عالی نمایان است (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص‌های آموزش، ۲۰۱۱).

## ۲۲- تعداد اعضای هیأت علمی

تعداد اعضای هیأت علمی، جزو محدود شاخص‌هایی است که در آن کشور ما در رتبه نخست منطقه قرار دارد. در حالی که بر اساس آمارهای سال ۲۰۰۸ میلادی (۱۳۸۷ شمسی)، ۱۴۴ هزار نفر عضو هیأت علمی در کشور فعال هستند، این شاخص برای ترکیه ۹۹ هزار نفر و برای پاکستان ۵۳ هزار نفر است که تفاوت قابل ملاحظه‌ای را با ایران نشان می‌دهند. کمترین تعداد اعضای هیأت علمی نیز با ۱۱۰۰ نفر متعلق به قطر است و پس از آن امارات و عمان با ۴۷۰۰ و ۵۰۰۰ نفر، کمترین اعضای هیأت علمی را در میان کشورهای منطقه دارا هستند. داده‌های کشورهایمانند افغانستان، بحرین، مصر، عراق، رژیم اشغالگر قدس و کویت در این بررسی در دسترس نبودند و مقایسه یادشده بین ۱۷ کشور انجام شده است (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص‌های آموزش، ۲۰۱۰).

## ۲۳- درصد اعضای هیأت علمی زن

در میان کشورهای منطقه، قزاقستان بیشترین سهم جنسیتی را از هیأت علمی خود به زنان اختصاص داده است. بر این اساس ۶۴ درصد از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی در این کشور را زنان تشکیل می‌دهند. این شاخص برای قرقیزستان، ۵۸ درصد و برای گرجستان ۵۵ درصد بوده است. در مقابل، کشورهای یمن با ۱۷ درصد، ایران با ۱۹ درصد و اردن با ۲۴ درصد، کمترین سهم جنسیتی زنان را در اعضای هیأت علمی آموزشی خود دارا هستند. در نتیجه، کشور ما در این شاخص جزو آخرین کشورهای منطقه است. شش کشور افغانستان، بحرین، مصر، عراق، رژیم اشغالگر قدس و کویت نیز در این بررسی دارای داده‌های معتبر نبودند.

در نتیجه تحلیل یادشده بین ۱۸ کشور منطقه انجام گرفته است (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص‌های آموزش، ۲۰۱۰).

#### ۲۴- درصد هزینه‌های ناخالص داخلی تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی

میزان سرمایه‌گذاری هر کشور در امر تحقیق و توسعه - که بخشی مهمی از آن در دانشگاه‌ها باید محقق شود- نشان دهنده توجه آن کشور به امر پژوهش و توسعه علمی است. کشور ایران از این نظر در سال‌های اخیر یک رشد مداوم را تجربه کرده است. در حالی که درصد هزینه‌های ناخالص داخلی تحقیق و توسعه از کل تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۱ تنها ۰/۵۵ درصد بوده، در سال ۲۰۰۸، یعنی ۱۳۸۷ به ۰/۷۹ درصد رسیده است. هرچند این شاخص با میزانی که در رژیم اشغالگر قدس با شاخص ۴/۲۷ درصد از تولید ناخالص ملی فاصله دارد و حتی از ترکیه با ۰/۸۵ درصد نیز کمتر است، اما در جایگاه‌های ممتاز منطقه قرار دارد. انتظار می‌رود با ادامه روند روبه رشد موجود در سال‌های نزدیک شاخص یادشده برای کشورمان از مرز یک درصد از کل تولید ناخالص ملی بگذرد.

سهم بودجه تحقیق و توسعه از کل تولید ناخالص ملی در کشورهای عربستان (۰/۰۸ درصد)، تاجیکستان (۰/۰۹ درصد) و کویت (۰/۱۱ درصد) کمترین میزان در بین کشورهای منطقه است. خاطر نشان می‌شود که داده‌های مربوط به نه کشور افغانستان، بحرین، عراق، لبنان، عمان، قطر، امارات، ازبکستان و یمن در دسترس نبوده و مقایسه بین ۱۴ کشور انجام شده است (یونسکو، ۲۰۱۰).

#### ۲۵- تعداد مقالات علمی و پژوهشی منتشر شده

این شاخص به نوعی نشان‌دهنده میزان تولید دانش علمی در هر کشور است. شاخص یادشده در عین اهمیت آن در ارزیابی نظام آموزش عالی و پژوهشی یک کشور، از جمله شاخص‌هایی است که کشور ما در آن جزو کشورهای برتر منطقه به شمار می‌آید. در سال ۲۰۰۷ در مجموع در تمام رشته‌هایی که این شاخص با آن محاسبه شده (غالباً رشته‌های فنی، کشاورزی و پزشکی)، ۴۳۶۶ مقاله علمی و پژوهشی از سوی دانشمندان و پژوهشگران کشور ایران منتشر شده است. این میزان پس از ترکیه با ۷۶۳۸ مقاله و نیز رژیم اشغالگر قدس با ۶۶۲۳ مقاله در رتبه سوم کشورهای

منطقه قرار دارد. در مقابل، این سهم از تولید علمی برای افغانستان ۴، قرقیزستان ۱۶ و یمن ۱۸ مقاله در سال ۲۰۰۷ بوده که ضعیف‌ترین کشورهای منطقه را تشکیل داده‌اند.

علاوه بر میزان فعلی تولید دانش علمی در مقالات علمی و پژوهشی، روند این شاخص در مورد کشور ما در سال‌های اخیر یک رشد جهش‌گونه را نشان می‌دهد. این میزان از سال ۲۰۰۴ تا سال ۲۰۰۷ که آخرین اطلاعات بین‌المللی در مورد آن منتشر شده، بیش از دوبرابر رشد داشته است (پایگاه اطلاعاتی شاخص‌های توسعه انسانی، ۲۰۱۱).

### ۲۶- تعداد دانشجویان خارجی

توان جذب و آموزش دانشجویان خارجی مقیم یا دانشجویان مهاجری که برای تحصیل کشوری غیر از کشور زادگاه خود را انتخاب می‌کنند، یکی از شاخص‌هایی است که نشان‌دهنده کیفیت و وضعیت مطلوب یا مناسب یک کشور در حوزه آموزش عالی دارد. بر اساس آخرین اطلاعات مربوط به تعداد دانشجویان خارجی که به سال ۲۰۰۷ برمی‌گردد، در کشور ما تنها ۱۴۵۱ دانشجوی بین‌المللی در حال تحصیل بوده‌اند. این در حالی است که شاخص یادشده برای کشور برتر منطقه، یعنی مصر ۳۵۰۳۱ دانشجو و برای امارات متحده عربی و اردن، رتبه‌های دوم و سوم، به ترتیب ۳۴۱۲۲ دانشجو و ۲۶۶۳۷ دانشجو بوده است. با توجه به تعداد دانشجوی بین‌المللی در ایران، جایگاه ما در منطقه بهتر از هجدهم نیست. از این نظر، ما تنها کشورهایی مانند گرجستان (۴۹۹ دانشجو)، پاکستان (۳۸۹ دانشجو) و ازبکستان (۳۸۱ دانشجو)، را در رتبه‌های پایین‌تر از خود می‌بینیم. خاطر نشان می‌شود که به دلیل در دسترس نبودن اطلاعات کشورهای افغانستان و رژیم اشغالگر قدس، مقایسه یادشده بین ۲۱ کشور انجام شده است (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص‌های آموزش، ۲۰۱۱).

### ۲۷- درصد دانشجویان خارجی

علاوه بر تعداد، درصد دانشجویان خارجی و بین‌المللی از کل جمعیت دانشجوی کشور، یکی دیگر از شاخص‌های مهم در ارزیابی وضعیت آموزش عالی می‌باشد. بر اساس آخرین اطلاعات موجود، این شاخص برای کشور ما عددی نزدیک به صفر است. این شاخص برای کشور برتر منطقه یعنی امارات متحده عربی، ۳۹ درصد است. به بیان دیگر، ۳۹ درصد از کل جمعیت دانشجو

در این کشور را دانشجویان خارجی تشکیل می‌دهند. پس از امارات، قطر و بحرین به ترتیب با ۲۸ و ۱۴ درصد در رتبه‌های دوم و سوم منطقه قرار دارند.

باتوجه به این که نبود اطلاعات در دسترس در مورد افغانستان، رژیم اشغالگر قدس، کویت، پاکستان و ازبکستان، مقایسه ما را به ۱۸ کشور محدود کرده‌است، کشور ما در این مورد رتبه آخر منطقه را از جمع این هجده کشور به خود اختصاص داده‌است (پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص‌های آموزش، ۲۰۱۱).

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که در اکثر قریب به اتفاق شاخص‌های مود مطالعه، جایگاه کشورمان به هیچ وجه درخود شأن و اهداف مود نظر نبوده است. این وضعیت از شاخص‌های عمومی آموزش تا شاخص‌های توسعه انسانی و به ویژه شاخص‌های اصلی مود بررسی، یعنی شاخص‌های آموزش عالی، کاملاً بارز است. به عنوان نمونه سال‌هاست که در کشور تلاش می‌شود تا با برنامه‌های اجرایی و سیاست‌های گوناگون سواد آموزی و گسترش چتر نظام آموزشی بر سر تمامی طبقات، گروه‌ها و مناطق جغرافیایی در کشور، نرخ باسوادی جمعیت از حدود ۸۳ درصد فراتر نرفته و کشورمان را در جایگاه هفدهم منطقه قرار داده است. این در حالی است که کشورهایی در همسایگی ما در حال حاضر به مرز نرخ ۱۰۰ درصدی جمعیت باسواد رسیده‌اند.

صرفنظر از شاخص‌هایی که ماهیتاً آموزشی نیستند، مانند تولید ناخالص داخلی کشورمان که در منطقه دوازدهم است، در شاخص‌های عمومی دیگر هم وضعیت ما چندان مساعد نیست. نسبت جنسی زنان به مردان از نظر میزان جمعیت باحداقل تحصیلات دیپلم متوسطه، رتبه دوازدهم را به کشورمان می‌دهد. از نظر میانگین سال‌های تحصیل در رتبه منطقه چهاردهم قرار داریم. البته از نظر سال‌های مورد انتظار تحصیل در مدرسه کشورمان در ردیف سه کشور برتر منطقه قرار دارد. همچنین سهم هزینه‌کرد آموزش از تولید ناخالص ملی نیز در کشورمان قابل ملاحظه است، تاحدی که بازهم جزو سه کشور برتر منطقه قرار داریم.

اما از نظر شاخص توسعه آموزش در میان کشورهای منطقه، کشورمان در جایگاه سیزدهم قرار دارد. همچنین شاخص کل توسعه انسانی برای ایران نیز رتبه نهم منطقه را نشان می‌دهد که هردو این شاخص‌ها به هیچ وجه نشان‌دهنده وضعیت ممتازی در میان کشورهای منطقه نیست. علاوه



براین، از نظر شاخصی مانند درصد کاربران اینترنت که به نوعی نشان‌دهنده نفوذ رسانه‌ای نوین در گردش اطلاعات و گسترش دانش بوده، کشورمان جایگاه هفتم منطقه را در اختیار دارد. البته این جایگاه تنها ضریب نفوذ اینترنت در کشور را نشان می‌دهد و توجه به مشکلات ناشی از سرعت بسیار اندک اینترنت در کشور- که ما را در ردیف کشورها آخر جهان قرار داده- و نیز اعمال سیاست‌های کنترل نامناسب، می‌تواند تصویر موجود از وضعیت دسترسی به این ابزار نوین ارتباطی و اطلاعاتی را دقیق‌تر کند.

در بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های آموزش عالی کشورمان در کنار سایر کشورهای منطقه، یافته‌های پژوهش نشان داد که در موارد زیادی هیچ جایگاهی در میان کشورهای برتر منطقه نداریم و حتی در موارد معدودی در ردیف کشورهای آخر منطقه هستیم. در عین حال در برخی دیگر از شاخص‌ها یک چشم انداز مناسب از وضعیت موجود به دست می‌آید و شاخص‌هایی از کشورمان، جزو شاخص‌های ممتاز منطقه به شمار می‌روند یا نشان‌گر وضعیت مطلوبی هستند.

در شاخص‌هایی همچون نرخ ناخالص ثبت نام، نسبت دانشجویان کارشناسی ارشد به کل دانشجویان، نسبت دانشجویان دکتری به کل دانشجویان، نسبت جنسی دانشجویان زن در مقطع کارشناسی ارشد، نرخ ناخالص اتمام مقطع کارشناسی، درصد زنانی که تحصیلات عالی را به اتمام رسانده‌اند، نسبت تعداد دانشجو به یکصد هزار نفر جمعیت، درصد دانش‌آموختگان از دانشگاه، درصد هزینه سرانه آموزش عالی از سرانه تولید ناخالص تولید داخلی، درصد بودجه آموزش عالی در بخش هزینه‌های عمومی از کل هزینه‌کرد آموزشی موسسات عمومی، سهم بودجه آموزش عالی از کل بودجه آموزش کشور، سهم آموزش عالی از بودجه جاری کشور، درصد اعضای زن هیأت علمی، تعداد دانشجویان بین‌المللی و درصد آن‌ها از جمعیت دانشجویان، کشورمان در جایگاه‌هایی بین پنجم تا شانزدهم در منطقه قرار دارد. این در حالی است که در اغلب موارد، اطلاعات معدودی کشورها برای مقایسه با دیگر کشورهای منطقه در دسترس نبود و از این رو مقایسه بین تعداد کمتری از کل کشورهای منطقه انجام شده است.

در عین حال، در برخی شاخص‌ها وضعیت کشور، وضعیت مطلوبی است. در این مورد به ویژه در شاخص‌های مربوط به سهم یا نسبت‌های جنسیتی بارز است؛ مواردی همچون نسبت جنسی زن به مرد در نرخ ناخالص ثبت نام، درصد زنان در مقطع کارشناسی ارشد، سهم زنان از کل جمعیت

دانشجویان، نسبت زن به مرد در اتمام دوره کارشناسی و سهم زنان از جمعیت دانش آموختگان. در این موارد، شاخص‌های کشورمان نشانگر یک توازن در شرایط بین جنسیتی یا نوعی تطبیقی شرایط اجتماعی با آنچه از عملکرد نظام آموزش عالی در مورد زنان به دست آمده، بوده است. اما در مقابل دو حالت یادشده، در شاخص‌هایی نیز کشورمان جایگاه ممتازی در میان کشورهای منطقه دارد و توانسته در ردیف سه کشور برتر قرار گیرد. از نظر درصد بودجه عمومی موسسات و سازمان‌های آموزش عالی از کل تولید ناخالص داخلی در رتبه دوم منطقه قرار داریم. از نظر تعداد اعضای هیأت علمی در جایگاه نخست منطقه هستیم. درصد هزینه‌های ناخالص داخلی تحقیق و توسعه از کل تولید ناخالص داخلی کشورمان در رده سوم منطقه است و در نهایت این که، تعداد مقالات علمی و پژوهشی منتشر شده، کشورمان را در رده سوم در میان کشورهای منطقه قرار می‌دهد.

از تمامی شاخص‌هایی که مورد مقایسه قرار گرفت، برخی کشورها در تعداد زیادی از شاخص‌های آموزش عالی در رده‌های برتر منطقه قرار دارند. این، خود نشانی از سرآمد بودن و موفق بودن بخش عمده عملکرد و نظام آموزش عالی این کشورها می‌تواند باشد. اگر کشور ما در ۴ شاخص (شاخص‌هایی که میزان حداکثری آن‌ها نشانه موفقیت است، نه مانند بیشتر سهم‌ها و نسبت‌های جنسیتی) مورد بررسی خود را جزو سه کشور برتر منطقه می‌بیند، قریزستان در هشت شاخص از بیست و دو شاخص مورد مقایسه در این بخش، این موقعیت برتر را دارد. همچنین رژیم اشغالگر قدس در هفت شاخص در میان سه کشور برتر منطقه قرار دارد. همچنین کشورهای ارمستان، عمان، ترکیه و لبنان، هر یک در پنج شاخص توانسته‌اند خود را در بین سه کشور برتر منطقه قرار دهند. جدول زیر به تفصیل جزئیاتی از این تحلیل بر اساس تعداد شاخص‌های ممتازی که هر یک از کشورهای منطقه در شاخص‌های آموزش عالی کسب کرده‌اند را نشان می‌دهد.

جدول ۲. تعداد شاخص‌های ممتاز هریک از کشورهای منطقه

ردیف	نام کشور	تعداد شاخص‌های ممتاز
۱	قرقیزسان	۸
۲	رژیم اشغالگر قدس	۷
۳	لنن	۵
۴	ارمنستان	۵
۵	ترکیه	۵
۶	عمان	۵
۷	کویت	۴
۸	ایران	۴
۹	آذربایجان	۳
۱۰	امارات	۳
۱۱	گرجستان	۳
۱۲	بحرین	۲
۱۳	ازبکستان	۲
۱۴	قطر	۲
۱۵	عراق	۱
۱۶	عربستان	۱
۱۷	پاکستان	۱
۱۸	مصر	۱
۱۹	اردن	۱

در مجموع براساس یافته‌های پژوهش، کشور ما در برخی موارد همچون هزینه‌هایی که از تولید ناخالص داخلی به طور کلی صرف دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی می‌شود، وضعیت قابل قبولی دارد؛ هرچند این وضعیت و جایگاه تا رتبه نخست منطقه فاصله دارد. نسبت و سهم جنسیتی زنان از آموزش عالی، چه در بخش دسترسی آنان، چه پتانسیل و شرایط موفقیت آن‌ها در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و چه امکان ادامه تحصیل آن‌ها در مقاطع تحصیلات تکمیلی، به گواه شاخص‌های بررسی شده، قابل قبول بوده و حتی در سطح شرایط مطلوب جهانی است.

همچنین از نظر تعداد مقالات علمی و پژوهشی منتشر شده و هزینه‌ای که برای تحقیق و توسعه می‌شود در میان کشورهای ممتاز منطقه هستیم. وقتی این وضعیت را در کنار سیاست جذب بیشتر اعضای هیأت علمی قرار می‌دهیم (تعداد اعضای هیأت علمی کشور در منطقه رتبه نخست را دارد)، به یک دلالت مبنی بر توجه و رویکرد موثر در تقویت و حمایت از کادر علمی آموزشی و پژوهشی و توجه به ثمردهی این کادر به صورت تولید دانش علمی به دست می‌آید.

با وجود نقاط مثبت بالا، شاخص‌های کمی در بخش آموزشی (موارد مانند نرخ‌های ناخالص ثبت نام، نسبت دانشجو به جمعیت، شاخص‌های تعداد دانشجویان بین المللی، دانش‌آموختگان و هزینه کرد در بخش‌ها عمومی آموزش عالی و مانند آن)، گاه به طور نگران کننده‌ای از اهداف سند چشم انداز فاصله دارد. این فاصله تا حدی است که به نظر نمی‌رسد با سرعت رشد فعلی بتوان تا سال ۱۴۰۴ به اهداف سند چشم‌انداز دست یافت.

### منابع

- پایگاه اطلاعاتی شاخص‌ها، بانک جهانی (۲۰۱۱). <http://data.worldbank.org/indicator>.
- پایگاه اطلاعاتی شاخص‌های توسعه انسانی (۲۰۱۱). سایت برنامه توسعه ملل متحد <http://hdr.undp.org/en/data/profiles/>
- پایگاه آماری یونسکو، بخش شاخص‌های آموزش (۲۰۱۱). <http://www.uis.unesco.org/Education/Pages/default.aspx>
- پایگاه اینترنتی مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir)
- رضایی، محسن و علی مبینی دهکردی، (۱۳۸۵)، ایران آینده در افق چشم انداز، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.
- دباغ، رحیم (۱۳۸۹)، بررسی وضعیت آموزش عالی در منطقه آسیا؛ مالزی، آذربایجان، ترکیه، هند، پاکستان، اسرائیل، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- نورشاهی، نسرین (۱۳۸۷)، مقایسه چند شاخص آموزش عالی ایران با شاخص‌های مشابه در آموزش عالی کشورهای جهان، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۳)، شاخص‌های ارزیابی در آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران.
- موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (۱۳۸۶)، گزارش ملی آموزش عالی

- Bleiklie, I. (2005) Organizing higher education in a knowledge society. **Higher Education**, 49.
- Inkeles, A., & Smith, D., (1988) **“Becoming Modern” in Development and Underdevelopment**, the University of Wisconsin Press, pp. 27-30.
- UNESCO (2010), **UNESCO Science Report**, UNESCO Publishing.
- UNESCO Institute for Education(2010), **Global Education Digest**.

